

## دیاکو حسینی: بعید می‌دانم مذاکرات احیای برجام، بدون نتیجه به پایان برسد!

هم‌زمان با روی کار آمدن دولت بایدن - که پیش از آن، اشتیاق خود را برای بازگشت به برجام اعلام کرده بود - این دوره را فرصتی برای احیای برجام می‌دید که در صورت عدم موفقیت در بازه زمانی نسبتاً کوتاه، می‌توانست تحت تأثیر فضاهاى پیش‌بینی نشده بین‌المللی یا دگرگونی‌های سیاسی داخل ایالات متحده، از دست برود. دغدغه دولت دوازدهم، خروج دوباره آمریکا از برجام نبود؛ آن‌هم به این دلیل ساده که مذاکره‌کنندگان و طراحان آن در این دولت، می‌دانستند که در عمل، هیچ راه‌حل قابل اعتمادی برای جلوگیری یک‌طرفه از توافق، در حالی که آن طرف اعتقاد داشته باشد از توافق به اندازه لازم سود نمی‌برد، وجود ندارد. با این حال، به نظر می‌رسد که مذاکره‌کنندگان، قصد داشتند تا از این اهرم برای اخذ حداکثر امتیاز ممکن، بی‌آنکه خطر شکست مذاکرات را تشدید کنند، بهره بگیرند. همین‌طور دولت دوازدهم، آگاهی داشت که لغو همه تحریم‌های وضع شده در دولت ترامپ که بعضاً تحت عناوینی غیرهسته‌ای

در ادامه گفتگوهایی که پیرامون ابعاد مختلف برجام و مذاکرات احیای آن داشتیم، این بار به سراغ دکتر دیاکو حسینی، تحلیلگر مسائل بین‌الملل و از حامیان برجام و مشاوران امور بین‌الملل دولت‌های یازدهم و دوازدهم رفتیم تا در مورد مسئله برجام و مذاکرات هسته‌ای اخیر، شاهد گفتگو و نظرانی متفاوت باشیم.

### ۱. روند مذاکرات احیای برجام در دولت‌های دوازدهم و سیزدهم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر می‌رسد در ارتباط با مذاکرات احیای برجام، تفاوت‌هایی در اهداف و روش دستیابی به آن در دولت‌های دوازدهم و سیزدهم، وجود داشته که این تفاوت‌ها نه تنها برخاسته از شناخت بنیادی هر کدام از دولت‌ها نسبت به موضوع توافق هسته‌ای، محدودیت‌ها و امکانات مذاکراتی بود، بلکه از رقابت‌های سیاسی داخلی نیز متأثر شده است. از نظر دولت دوازدهم، برجام «شر ضرور» بود و از نظر دولت سیزدهم، «شر غیر ضرور». دولت دوازدهم

## ۲. رویکرد و جدیت دولت بایدن در مذاکرات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به نظر شما، آیا آمریکا واقعاً به دنبال توافق است؛ اگر آری با چه مختصات؟

به دلایل متقاعدکننده‌ای، می‌توان باور داشت که دولت بایدن واقعاً به دنبال احیای برجام است. اعضای مذاکره‌کننده این دولت، همان افرادی هستند که در مذاکره و تولد برجام، نقش داشتند و این توافق را بهترین توافق در دسترس و بهترین راه‌حل ممکن برای مهار برنامه‌های هسته‌ای ایران می‌دانستند و شاهدهی وجود ندارد که نشان دهد، اعتقاد آن‌ها تغییر کرده است. توجه به مباحثه‌های درون جامعه سیاسی آمریکا از جمله در حزب دموکرات، نشان می‌دهد که حتی در دولت اوباما نیز کسی باور نداشته است که برجام برای همیشه و به شکلی خدشه‌ناپذیر، می‌تواند صلح‌آمیز بودن برنامه‌های هسته‌ای ایران را تضمین کند، اما می‌تواند برای ایالات متحده و شرکای آن، زمان بخرد تا اطمینان پیدا کنند که در بازه زمانی مندرج در برجام،

شدن دولت بایدن قرار داشت؛ بنابراین در دولت دوازدهم، اعتقادی به شرطی شدن اقتصاد در برابر خروج دوباره آمریکا از برجام یا امکان اخذ تضمین وجود نداشت. برخلاف آن دولت، در دولت سیزدهم با تکیه بر این اعتقاد سیاسی که دولت دوازدهم از همه امکانات مذاکراتی بهره نگرفته است و همچنان، می‌توان امتیازهای بیشتری را مطالبه کرد، به دو هدف متمرکز شد؛ اول، لغو همه تحریم‌ها اعم از هسته‌ای و غیرهسته‌ای هم‌زمان با دوره طولانی راستی‌آزمایی - که با مصوبه مجلس تقویت می‌شد- و دوم، اخذ تضمین یا بالا بردن هزینه آمریکا در صورت خروج دوباره از توافق. با وجود گذشت بیش از یک سال از مذاکرات در دولت جدید، مطابق با قرائن، هیچ‌یک از این اهداف تا به امروز، تحقق نیافته است. هرچند هنوز برای قضاوت نهایی، زود است و باید منتظر ماند اما ظاهراً تعیین اهداف و روش‌های دستیابی به آن در دولت دوازدهم نسبت به دولت سیزدهم، واقع‌گرایانه‌تر بوده است.

اعمال شده بودند، به لحاظ حقوقی امکان‌پذیر نبود اما با این حال، کوشید تا با نسبت دادن این تحریم‌ها به یک نیت سیاسی - که با روح برجام در تعارض بود- برای رفع آن دسته از تحریم‌ها نیز بکوشد. تلاش برای سلب امتیاز اسنپ بک از ایالات متحده، یکی دیگر از تلاش‌هایی بود که در دولت دوازدهم انجام شد. به رغم همه این‌ها، مذاکره‌کنندگان پیشین، به این درک رسیده بودند که نباید از برجام، انتظار یک توافق بی‌نقص و ایده‌آل را داشت و احیای آن، به این دلیل مهم بود که اولاً، مسیر تعهدات طرفین تا سال ۲۰۳۰ را که می‌توانست به لحاظ حقوقی به لغو کلیه قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت، به رسمیت شناختن غنی‌سازی در سطح این شورا و پشت سر گذاشتن یک‌یک بندهای غروب منجر شود، باز نگاه دارد. نتیجه غایی، غیرامنیتی کردن پرونده هسته‌ای ایران تا مرحله برگشت‌ناپذیر بود. دومین هدف، بهره‌مندی حداکثری ایران از لغو تحریم‌ها با استفاده از زمان بود؛ موضوعی که به نظر می‌رسید، تحت شعاع امکان یک دوره‌ای



از حرکت برنامه‌های هسته‌ای به سمت یک برنامه نظامی، آن را متوقف کرده یا به شدت، آن را تحت نظارت قرار داده‌اند. دولت بایدن همیشه بر این اعتقاد بوده که خروج ترامپ از این توافق، نه تنها به اعتبار تعهدات بین‌المللی آمریکا آسیب رسانده، بلکه تا به امروز دامنه فعالیت‌های هسته‌ای ایران را از کنترل خارج کرده است، بدون آنکه جایگزین بهتری برای آن معرفی کند. به همین ترتیب، دولت بایدن مطلع است که برخی ابعاد فنی برنامه‌های هسته‌ای ایران پس از توقف تعهدات، گسترش داشته و به نقطه‌ای رسیده که ممکن است، توافق

۲۰۱۵ قادر به رسیدگی به آن نباشد. این اعتقاد، بهانه‌ای را فراهم کرد که دولت بایدن ضمن برخورداری از اشتیاق برای بازگشت به برجام، از بازگشت فوری خودداری کرده و احیای توافق را مشروط به مذاکراتی کند که این نگرانی‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد.

### ۳. علت فرسایشی شدن این مذاکرات را در چه می‌دانید؟

پویایی‌های سیاست داخلی در ایران و آمریکا، سرچشمه مفروضات نادرستی بود که در تهران و واشنگتن شکل گرفت؛ مفروضاتی که به فرسایشی شدن مذاکرات کمک کرد. در آمریکا، انتقاد به برجام - که از نخستین

روز تولد آن در هر دو حزب وجود داشت - به جایی رسید که دولت بایدن، دیگر نمی‌توانست بدون وعده نسبت به رفع اشکالات آن، از بازگشت به برجام دفاع کند. وعده‌ای که او تحت عنوان تلاش برای رسیدن به توافقی طولانی‌تر و قوی‌تر از آن نام برد. با اتکا به شنیده‌ها در خصوص متن توافق در پایان دور ششم مذاکرات به سرپرستی دکتر عراقچی، حتی تا پیش از انتقال پرونده مذاکرات به دولت سیزدهم، آشکار شده بود که دولت بایدن، قادر به رسیدن به این هدف نیست. در طرف مقابل و در ایران، فرض اینکه برجام توافقی نابرابر بوده و بدون لغو همه تحریم‌ها و اخذ

است که ادامه مذاکرات به بعد از انتخابات ماه نوامبر کنگره موکول شود. دولت بایدن، نگران است که توافق تنها چند هفته قبل از انتخابات درحالی که نتوانسته است به اهداف از پیش اعلام شده خود، دست پیدا کند، به آرای حزب دموکرات آسیب بزند. هرچند در این تأثیرگذاری در جامعه‌ای که علاقه کمی به سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا دارد، نباید مبالغه کرد اما حتی تأثیرگذاری اندکی که بتواند موازنه را در سنا و مجلس نمایندگان تحت تأثیر قرار دهد، برای نگرانی دولت بایدن کافی است. به همین ترتیب، ایران نگران است که پیروزی قاطع جمهوری خواهان در این انتخابات و مخالفت آن‌ها با توافق، به مرگ زود هنگام برجام منجر شده و عملاً دولت آمریکا را از انجام تعهداتش بازدارد. از این گذشته، دولت‌های ایران و آمریکا، امیدوارند که با پشت سر گذاشتن انتخابات میان دوره‌ای، امکان انعطاف بیشتری را برای تبادل امتیازها فراهم کنند.

میزان قابل توجهی کاهش یابد، اما فقدان گزینه‌های جایگزین بهتر، سبب شده است که احیای برجام، همچنان بهترین راه در دسترس به نظر برسد. شکست مذاکرات برای آمریکا، به معنای ضرورت متوسل شدن به نیروی نظامی بوده و جنگ با ایران، آخرین چیزی است که ممکن است، مورد تأیید رأی دهندگان خسته از جنگ و اقتصاد بیمار آمریکا قرار بگیرد. در آن سو، شکست مذاکرات برای ایران، به معنای احتمال بازگشت قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت و تحریم‌های چندجانبه و به لحاظ حقوقی مشروع است، درحالی که عایدی از سرعت دادن به برنامه‌های هسته‌ای به دست نمی‌آورد. در همین حال، ممکن است به طور گسترده‌تر، موجد تنش‌های اجتماعی داخل کشور باشد. به همین دلیل، تصور نمی‌کنم هیچ‌کدام از طرفین، تمایلی به شکست مذاکرات داشته باشند یا حداقل نسبت به اینکه مقصر شکست مذاکرات معرفی شوند، پرهیز دارند. بعید می‌دانم این مذاکرات بدون نتیجه به پایان برسد. این احتمال بیشتر

تضمین‌هایی که مانع از خروج از برجام شود، نمی‌تواند یک توافق خوب شمرده شود، سنگ بنای روش مذاکراتی را تشکیل داد که در عمل، نمی‌توانست به چیزی جز فرسایشی شدن مذاکرات بینجامد. به علاوه، خطای دولت سیزدهم در گنجاندن اختلاف پادمانی در مذاکرات احیای برجام و علنی کردن آن، دلیل دیگری است که به فرسایشی شدن مذاکرات کمک کرده است. هرچند ایران به لحاظ سیاسی، محق است که بنیان اختلافات پادمانی برآمده از عملیات جاسوسی رژیم اسرائیل و به نیت نبودن برجام است، اما به لحاظ فنی و حقوقی، به دشواری می‌تواند از آن دفاع کند؛ بنابراین، این موضوع باید همچنان خارج از مذاکرات برجام و صرفاً در چارچوب مذاکرات و همکاری‌های ایران و آژانس، نگه داشته می‌شد و روند مذاکرات آن، به رسانه‌ها کشیده نمی‌شد.

### ۴. افق پیش روی این مذاکرات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هرچند گذشت زمان موجب شده تا فواید برجام برای طرفین به

## ۵. راهکارهای پیشنهادی جناب‌عالی برای تغییر وضعیت موجود و خروج از وضعیت فرسایشی آن چیست؟

بدون اطلاع از جزئیات مذاکرات، نمی‌توان با قطعیت نظر داد، اما صرفاً با تکیه بر اخبار رسانه‌ای و با این فرض که دستیابی به توافق احتمالاً با رضایت طرفین به بعد از انتخابات کنگره موکول است، به نظر می‌رسد مانع اصلی همچنان عدم لغو کلیه تحریم‌ها، فقدان ضمانت توافق و اختلافات پادمانی است. هنوز نمی‌دانیم که آیا دولت آمریکا به توافقی «طولانی‌تر و قوی‌تر» دست یافته یا خیر و اگر نرسیده، چگونه قرار است از چنین توافقی داخل آمریکا دفاع کند؟ همچنین، اگر مذاکره‌کنندگان ایرانی نتوانند همه تحریم‌ها را لغو نمایند، ضمانت دریافت کنند و پرونده پادمانی را ببندند، در این صورت، دفاع از توافق برای ایران دشوار خواهد بود. بخشی از این دشواری نیز مربوط به روایت‌ها است؛ روایت باورپذیری که دولت‌ها در داخل کشورها ارائه می‌دهند. برای این هدف، دولت

ایران به تنهایی نمی‌تواند روایت قابل قبولی را ارائه دهد که هم مخالفان و هم هواداران دولت را متقاعد کند. همکاری فراجناحی دولت برای دفاع از روایت نهایی ضروری است، اما قبل از آن، مذاکره‌کنندگان باید اختلاف پادمانی را - که امیدی به حل آن طی روند سیاسی مذاکرات وجود ندارد - از ریل مذاکراتی خارج کنند. این، کاری بود که در دولت قبل انجام شد؛ به این صورت که پذیرفت، حل و فصل این اختلاف را اولاً نباید رسانه‌ای کرد، ثانیاً گره زدن آن به مذاکرات احیای برجام، عملاً پیشرفت مذاکرات را مختل می‌کند. ایران و آژانس، می‌توانند طی مذاکره، توافقی را بپذیرند که این اختلاف را در چارچوبی خارج از مذاکرات احیای برجام، با حسن نیت و بدون انگیزه‌های سیاسی، دنبال خواهد کرد. با این تصمیم، مهم‌ترین مانع دستیابی به توافق برداشته می‌شود. مرحله بعدی، رضایت دادن به نتیجه حداکثر تلاش انجام شده برای لغو همه تحریم‌ها و اخذ ضمانت است. این، همان روایتی است که دولت باید قادر باشد تا چنان

موفقیت‌آمیز بسازد که حداقل انتقادها را برانگیزد. به همین دلیل، همکاری نزدیک دولت با رسانه‌ها، اشخاص متنفذ و احزاب و جناح‌های رقیب ضروری است. در واقع، هدف نهایی باید ساختن یک روایت ملی از ثمره توافق باشد؛ روایتی که مطابق آن، امکان تطابق و دفاع از دستاوردهایش در افکار عمومی فراهم شود. این امکان‌پذیری، نگرانی از حیثیت سیاسی را به اندازه قابل توجهی کاهش می‌دهد و می‌تواند نقش تسریع‌کننده‌ای در مذاکرات ایفا کند. احتمالاً سازوکاری مشابه برای دولت دموکرات آمریکا اکنون مورد بحث قرار دارد.

## ۶. در مجموع، راهبردهای پیشنهادی شما برای جمهوری اسلامی ایران (با دو فرض موفقیت مذاکرات و عدم موفقیت مذاکرات) چیست؟

شکست مذاکرات توأم با اسنپ یک یکی از کشورهای اروپایی و بازگشت قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت، بدترین سناریوی محتمل برای ایران است. این وضعیت با دامن زدن به هراس و



دهد تا ایران در همکاری نزدیک استراتژیک با چین و روسیه، با هدف تجدیدنظرطلبی‌های جهانی این کشورها، راه آسانی برای انباشت ثروت و تخصیص آن به مقابله با منافع کشورهای غربی داشته باشد. حتی اگر ایران تصمیم به مشارکت در محور چین و روسیه داشته باشد (به فرض اینکه وجود چنین محوری را اساساً مطابق واقعیت بدانیم)، سیاست خارجی اعلامی ایران، باید فاصله خود را با این نیت حفظ کند و در عمل، روش‌هایی را در پیش بگیرد که همچنان، موضع ایران را به صورت مبهم بازنمایی کند.

**انتظارات عمومی از توافق ضروری است.** بهره‌برداری پیروزمندانه از توافق، نباید به انتظاراتی دامن بزند که می‌دانیم تحقق آن، بسیار دشوار است. در عصر بازگشت رقابت میان قدرت‌های بزرگ، حصول و عدم حصول توافق و نحوه اجرای آن در یک زمین ژئوپلیتیک بزرگ‌ترخ می‌دهد. اگر ایران در همکاری با روسیه و چین تا جایی پیشروی کند که غرب، ایران را در محور تجدیدنظرطلبانه این دو قدرت آسیایی برگشت‌ناپذیر تلقی کند، انگیزه بیشتری خواهد داشت تا از بهره‌برداری اقتصادی ایران از توافق جلوگیری کند. دلیلی وجود ندارد که غرب، اجازه

نامیدی در جامعه و بازار، می‌تواند پیامدهای مخربی به همراه داشته باشد. ایران، باید اطمینان پیدا کند که حتی در صورت شکست مذاکرات جاری، هیچ‌یک از کشورهای باقی‌مانده در برجام، دست به این اقدام نخواهند زد. این امر، تنها در صورتی ممکن است که ایران، اراده خود را برای ازسرگیری هرچه سریع‌تر مذاکرات در چارچوب و فرمتی جداگانه -که فاقد موانع پیشین باشد- اعلام کند. در صورت به نتیجه رسیدن مذاکرات و با توجه به این موضوع که احتمالاً عمر این توافق با پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات ۲۰۲۴، کوتاه خواهد بود، مدیریت